به نام آنکه جان را چراغ دل به نور جان
فکرت آموخت برافروخت

پیش از هر چیز بر خود فرض می‌دانم که از زحمات بی‌دریغ استادان ارجمند خود در طول دوران تحصیل در پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي تشکر کنم. به ویژه از سرکار خانم دکتر پروین ترکمني آذر که زحمت راهنمایي این رساله بر دوش ایشان بود و همچنین از سرکار خانم دکتر الهامة مفتاح که مشاورة این رساله را به عهده گرفتند و همچنین از استاد بزرگوارم جناب آقاي دکتر احسان اشراقي که داوري این رساله را تقبل فرمودند، صمیمانه سپاسگزارم. در آخر نیز از زحمات جناب آقاي دکتر شهرام یوسفي‌فر که مشاورة پژوهشي پایان‌نامه را بر عهده داشتند، تشکر مي کنم.

چکیده

در این رساله جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی ایران یعنی خراسان و ماوراءالنهر از ابتدای فتوحات اعراب تا پایان حکومت امویان مورد بررسی قرار گرفته است. با ورود اعراب به ایران و سقوط حکومت کهن ساسانی تاریخ دوران باستان ایران به پایان رسید و دوره‌ای جدید تحت عنوان دوره اسلامی در تاریخ این سرزمین رقم خورد. سرزمین خراسان یکی از سرزمین‌هایی بود که به تصرف اعراب درآمد اما خراسانی که در این دوران مورد بحث است بسیار بیشتر از آنچه در دوران‌های بعد خراسان نامیده می‌شد وسعت داشت. در واقع از قهستان در حاشیة کویر مرکزی ایران تا بیابان چین جزء خراسان بزرگ به شمار می‌آمد و هرچه که اعراب می‌توانستند بر متصرفات خود اضافه کنند در محدودة خراسان قرار می‌گرفت. با ورود فاتحان جدید به خراسان علاوه بر ورود مذهب جدید تغییراتی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... نیز به وجود آمد. برای بررسی این تغییرات و آنچه که در این دوران روی داد باید به منابع و مآخذ معتبر مراجعه شود و با توجه به عدم وجود منبعی که در این دوران نوشته شده باشد ناگزیر باید از منابعی که در دوران‌های بعد تدوین شده، استفاده گردد تا بتوان بر این تغییرات وقوف پیدا کرد. از آنجا که تاریخ‌نگاری این سرزمین به شدت سیاسی و در واقع تاریخ شاهان است برای آن که بتوان درك بهتر و جامع‌تری از این دوران پرفراز و نشیب بدست آورد باید به موقعیت مکانی و نقش عوامل جغرافیایی در تبیین و تفسیر رویدادهای تاریخی بیش از پیش توجه نمود. شورش‌های پی‌درپی بومیان خراسان،

غزوات و جنگهايي كه اعراب به طور مداوم راه مي**انداختند** و همچنين نفوذ تركان در ماوراءالنهر و درگيريشان با اعراب، ضرورت توجه به عوامل جغرافيايي در حوادث تاريخي اين دوران را بيشتر مطرح مي سازد. بخش‌هاي اوليه رساله اختصاص به توصيف اماكن شهري و روستايي خراسان، **ماوراء**النهر و خوارزم دارد و در بخش‌هاي بعد از راه‌ها، رشته**كوه**ها، بيابان‌ها، رودها و درياچه‌ها صحبت شده است.

مقدمه

با ورود لشکریان عرب به ایران و سقوط سلسله کهن ساساني برگ جديدي از تاريخ اين سرزمين ورق خورد. قومي بيگانه بر اين سرزمين مسلط شده بود و به دليل داشتن ايدئولوژيي به نام اسلام ماناتر مي‌نمود. هرچند که با برپايي حکومت اموي، اسلاميت در برابر عربيت و تعصبات نژادي کم**رنگ‌تر شد و** يکي از دلايل سقوط سريع حکومت سريع اموي همين مسأله بود ولي آنچه اهميت دارد آن است که ايران وارد يك ساحت جديد گرديد. دورة باستان ايران به پايان رسيد و تجربه**اي** جديد فراروي اين سرزمين قرار گرفت. ايالت خراسان که يکي از ايالات ايران دوره ساساني بود به دنبال ديگر ايالات ايران (غير از حاشية سبز پشت کوه‌هاي البرز) به تصرف اعراب درآمد. اما خراسان در دوران مورد نـ ظر به لحاظ سياسي وسعتي به مراتب بيشتر از آنچه که پيشتر بود، پيدا کرد. خراساني که در اين دوران از آن ياد مي‌گردد از کوير مرکزي ايران و از منطقه قهستان در حاشيه کوير تا بيابان چين را در برمي‌گرفت و هرچه را که واليان عرب مي**توانستند** به اين تصرفات اضافه کنند در محدودة حکومت آنها و جزء ايالت خراسان به حساب مي**آمد.**

ايران در دوران ساساني براساس کتابي به زبان پهلوي به نام شهرستان‌هاي ايران که اصل آن در دسترس نيست به چهار **قسمت** در چهار جهت جغرافيايي تقسيم شده و هر قسمت را يك **کوست مي**ناميدند: کوست خوربران (ناحيه غرب)، کوست نيمروز (ناحيه جنوب)، کوست خراسان (ناحيه شرق) و کوست کپکوه (ناحيه شمال). ملاحظه مي گردد که ناحيه شرق در اين کتاب خراسان است. به لحاظ سياسي تا هرجا که **متصرفات دولت**

ساساني گسترش مييافته محدودة ايالت خراسان نيز گسترش يافت چرا كه مرزهاي سياسي دائماً در حال تغيير بوده و بسته به قدرت حكومت وقت، كم يا زياد ميشد. بايد توجه داشت كه مرزهاي سياسي با مرزهاي طبيعي متفاوت است، حدود طبيعي خراسان نيز كه در قسمتهاي شرقي ايران قرار داشته و دارد از اين قاعده مستثني نيست. حدود طبيعي خراسان از كوير مركزي ايران تا پامير را شامل ميگشت. دولت ساساني همواره سعي بر اين داشت كه تمام اين سرزمين پهناور را به لحاظ سياسي تحت اقتدار خود درآورد اما به طور كامل نتوانست بر اين خواسته جامة عمل بپوشاند. با اين وجود دليلي ندارد كه مناطق بالاي جيحون نظير اسروشنه و سغد و فرغانه جزء خراسان به شمار نيايد چرا كه در آن مناطق مردماني آريايي سكونت داشته و به زبانهاي ايراني شرقي تكلم ميكردند.

زماني كه اعراب پا به خراسان گذاردند نيز به همين شيوه عمل كردند يعني نقاط آن طرف كوير مركزي ايران به سمت شرق و شمال شرقي را تماماً جزء خراسان در نظر گرفتند. حال در برخي مواقع ممكن بود بر مناطق شمالي رو جيحون خصوصاً نواحي ساحلي رود سيحون تسلط سياسي پيدا نكنند و حتي يك بار در رويارويي با تركان به ساحل چپ رود جيحون نيز رانده شدند و گاه تا كاشغر شهري در غرب سرزمين چين نيز نفوذ كردند. در هر حال محدودة طبيعي خراسان محدوده اي مشخص بود كه ممكن بود به لحاظ سياسي كوچكتر يا بزرگتر از آنچه حقيقتاً بود ميرسيد.

رفته رفته پس از اين دوران تغييري در حدود طبيعي خراسان به وجود آمد بدين ترتيب كه خراسان بزرگ به دو

بخش خراسان و ماوراءالنهر تقسيم گرديد و رود جيحون حدفاصل اين دو بخش قرار گرفت. در اين تقسيم بندي مناطق جنوبي رود جيحون از قهستان تا بدخشان جزء خراسان و مناطق شمالي رود جيحون نيز جزء ماوراءالنهر به حساب آمد. در اين رساله نيز اين تقسيم بندي اعمال ميگردد با اعتراف به اينكه در دوران مورد نظر همانطور كه پيشتر نيز گفته شد به هيچ عنوان چنين تقسيمبندي وجود نداشته و فقط براي سهولت در توصيف مناطق مورد نظر اين تقسيم بندي با تغييراتي چند اعمال گرديد. با توجه به وجود مرزها و موانع طبيعي، خراسان بزرگ به سه بخش تقسيم گرديد كه آن سه بخش عبارتند از: خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم. در بخش اول مناطق جنوبي رود جيحون يعني خراسان مورد بررسي قرار ميگيرد كه خود به چهار ربع تقسيم ميگردد. چهار ربع مورد نظر شامل ربع نيشابور، ربع مرو، ربع هرات و ربع بلخ ميباشد. ربع نيشابور جداي از نواحي پيرامونش داراي يك منطقة بزرگ به نام قهستان است كه نواحي چندي را داراست. برخي از محققين قهستان را جدا از نيشابور در نظر گرفته اند. اين عده معتقدند در جنوب دشت نيشابور كوههايي وجود دارد كه اين كوه ها يك نوع مرز طبيعي به شمار ميرود كه نيشابور را از قهستان جدا ميكند. قهستان را به خاطر كوهستاني بودنش قهستان ناميدند. ربع نيشابور بزرگترين ربعهاي چهارگانه خراسان به شمار ميرفته است. پس از اين ربع، ربع مرو قرار دارد كه در انتهاي رود مرغاب واقع شده و كوچكترين ربع خراسان نيز به حساب ميآيد. اين ربع مهمترين ربعهاي چهارگانه بوده چرا كه مركز حكام عرب خراسان در اينجا قرار داشت. ربع سوم ربع

هرات است که منطقه مهم غرجستان در این ربع مورد بررسي قرار ميگيرد. ربع آخرين خراسان ربع بلخ است که داراي دو منطقه بزرگ ميباشد. منطقه گوزگانان در غرب بلخ و منطقه تخارستان در شرق آن واقع شده است.مناطقي از خراسان وجود دارد که در دوران اوليه فتوحات و در دوران اموي، اعراب نتوانستند بدانجا نفوذ کنند. اين مناطق شامل منطقه کوهستاني غور، باميان و بدخشان ميشود. نظر به اينکه اين مناطق در دوران مورد نظر فتح نشد، در اين رساله نيز اين مناطق مورد بررسي قرار نميگيرد. بخش دوم رساله شامل مناطق شمالي رود جيحون و يا اصطلاحاً ماوراءالنهر است که اين بخش در سه قسمت مورد بررسي قرار ميگيرد. قسمت اول مربوط به ايالاتي است که در ساحل رود جيحون واقع شده اند يعني قسمتهاي جنوبي اين ايالات به رود جيحون پيوسته است. اين ايالات عبارتند از ايالت ختلان که خود شامل دو بخش ختل و وخش ميشود. ايالت قباديان و ايالت چغانيان. پس از آن که رود جيحون از ايالت چغانيان خارج گرديد و وارد بيابان شد، تك شهرهايي در ساحل شمالي و جنوبي اين رود وجود دارد که در واقع معابر خراسان به ماوراءالنهر ميباشند. اين شهرها به حکم اين که در ساحل رود جيحون قرار دارند به طور جداگانه و در ذيل ايالات رود جيحون مورد بررسي قرار مي گيرد. اين شهرها شامل کالف، اخسيسك و فربي در شمال رود جيحون و زم و آمل در جنوب رود جيحون ميباشند.

قسمت دوم درباره ايالات ساحلي ورد سيحون ميباشد. اولين اين ايالات فرغانه است که در منتهياليه شمال شرقي ماوراءالنهر بر دو سوي رود سيحون واقع شده و اين رود

درست از ميانة آن عبور مي‌كند. پس از آن ايالت اسروشنه قرار دارد كه در جنوب رود سيحون واقع شده و تنها ايالتي از ايالات رود سيحون است كه در جنوب اين رود قرار دارد. پس از اسروشنه در قسمت شمالي رود سيحون ايالات چاچ و اسپيجاب واقع شده‌اند. بين ايالت چاچ و فرغانه در شمال رود سيحون ايالت ايلاق قرار دارد. از آنجا كه اين ايالت در اين دوران از سوي اعراب فتح نگرديد **و** هيچ يك از مورخين معتبر مانند طبري و بلاذري و ... در ذيل حوادث اين دوران به ايالت اشارتي نكردند، در اين رساله نيز مورد **بررسي قرار نمي**گيرد. از ايالت اسپيجاب نيز فقط به توصيف شهر و مركز آن پرداخته شده چرا كه اعراب فقط يك بار توانستند دژ آنها را فتح كنند كه اين فتح نيز موقتي بود و آنان به سرعت مجبور به تخليه اسپيجاب شدند. بر اين اساس ساير شهرها و روستاهاي اين ايالت مورد بررسي قرار **نمي**گيرد. بين رودهاي سيحون و جيحون ايالت سغد قرار دارد كه قسمت سوم اين بخش را تشكيل مي‌دهد. اين ايالت در واقع **شامل نواحي ساحلي رود سغد مي**شود. هرچند كه عده**اي بخارا** را ناحيتي جدا از سغد مي‌دانند اما با توجه به اينكه اين ناحيه نيز در ساحل رود سغد واقع شده است جزء اين قسمت **مورد بحث و بررسي قرار مي**گيرد. منطقه كشك رود كه ناحية كش و نخشب در ساحل آن قرار دارند نيز جزء اين قسمت به شمار آمده است.بخش سوم اين رساله مربوط به ايالت خوارزم **مي**باشد كه در انتهاي رود جيحون در دو سوي اين رود واقع شده است. بيشتر جغرافي‌دانان اين ايالت را جزء ايالات **ماوراء**النهر دانسته‌اند، برخي نيز قسمت شرقي آن را جزء **ماوراء**النهر و قسمت غربي آن را جزو خراسان به حساب

آورده‌اند. ولي در اينجا اين ايالت جداي از خراسان و ماوراءالنهر در نظر گرفته شده چرا كه به طور طبيعي اين ايالت توسط بيابان‌هايي كه دورتادور آن را فراگرفته‌اند (به غير از سمت شمال آن كه در نهايت به درياچه خوارزم ختم مي‌شود) از خراسان و ماوراءالنهر جدا افتاده است. اين جدايي باعث تغيير لهجه مردمان خوارزم نسبت به ساير مناطق خراسان و ماوراءالنهر نيز شده است. از اين ايالت در دو قسمت صحبت مي‌شود، قسمت اول شامل شهرهاي ساحل شرقي رود جيحون به مركزيت شهر كاث و قسمت دوم شامل شهرهاي ساحل غربي رود جيحون به مركزيت جرجانيه (گرگانج) مي‌باشد.

بررسي اماكن شهري و روستايي اين سه بخش كه بدان‌ها اشاره شد اصلي‌ترين قسمت رساله را تشكيل مي‌دهد. جداي از بحث اماكن شهري و روستايي به بررسي ساير پديده‌ها و عوامل جغرافيايي نظير رودها، بيابان‌ها و ... نيز پرداخته مي‌شود. در بخش چهارم راه‌ها و فواصل ميان شهرها و روستاهاي سه بخش فوق‌الذكر به طور جداگانه مورد بررسي قرار مي‌گيرد. بخش پنجم مربوط به كوه‌ها و نواحي كوهستاني است. در اين بخش سعي شده تمام كوه‌هاي خراسان و ماوراءالنهر به صورت رشته‌كوه‌هايي به هم پيوسته بررسي گردد. در واقع اين كوه‌ها در امتداد كوه‌هايي هستند كه از شرق آسيا شروع شده و تا غرب اروپا ادامه مي‌يابند. در انديشه جغرافي دانان مسلمان به اين كوه‌ها، كوه‌هاي منطقه الارض يا كمربند مياني زمين اطلاق گرديده است. در اينجا ضمن آنكه كوه‌هاي مورد نظر به صورت پيوسته و در امتداد هم مورد بحث قرار مي‌گيرد به هر جا يا نقطه‌اي كه از اين

كوهها با نامي خاص برخورد شود، اشاره خواهد شد. بخش ششم به توصيف دو بيابان بزرگ خوارزم و كوير مركزي ايران اختصاص دارد. بخش هفتم به بررسي مهمترين رودهاي خراسان **بزرگ مي**پردازد. رودهايي نظير جيحون، سيحو**ن، سغد، مرغاب** و هريرود كه پرآبترين رودهاي منطقه مورد نظر مي**باشد، در** ذيل هريك از رودهاي مهم خراسان از سرشاخه‌ها و انشعابات آن نيز صحبت مي**شود.** اين رود ها در دو فصل مورد بررسي **قرار مي** گيرد در فصل اول به رود هاي **خراسان و در فصل** دوم به رود هاي ماوراءالنهر پرداخته **مي شود.** بخش هشتم و پاياني رساله اختصاص به درياچه‌هاي معروف خراسان دارد. در اين بخش مجموعاً از پنج درياچه بحث به ميان خواهد آمد كه بي‌شك مشهورترين و بزرگترين آنها. درياچه خوارزم **مي‌باشد.**

ضرورت انجام تحقيق: بدون شك نقش عوامل جغرافيايي را نبايد در حوادث و رويدادهاي تاريخي از نظر دور داشت. از آنجا كه تاريخ اين سرزمين بيشتر تاريخ سياسي و تاريخ اشخاص بوده است به ويژه از دو جنبة مهم خالي است: يكي بحث اجتماع و دوم مسأله سرزمين و بُعد مكاني وقايع. در واقع يكي از دلايل كمي پيشرفت ما در حوزة تاريخ كم‌توجهي به اين دو مورد مذكور است. شرح موقعيت مكاني و تأثير آن در يك رويداد خاص چندان در تاريخ گذشته اين سرزمين مورد توجه واقع نشده، چرا كه مسائل سياسي و تاريخ سياسي ساير عرصه‌هاي تاريخ را تحت**الشعاع خود قرار داده است. براي** اين كه بتوان درك بهتري از تاريخ اين سرزمين در **دوران** مورد نظر به دست آورد ضروري است به موقعيت مكاني و نقش

عوامل جغرافياي در تبيين و تفسير وقايع تاريخي بيش از پيش توجه شود.

پيشينه تحقيق: گام اول در زمينة تحقيقات جغرافياي تاريخي را همچون بسياري از زمينه‌هاي ديگر محققين و دانشمندان غربي برداشته‌اند. اين دانشمندان حداقل يكصد سال جلوتر از دانشمندان ما پاي در عرصة اين گونه تحقيقات گذاردند. به طور كلي تحقيقات و پژوهشهاي انجام شده در زمينة جغرافيايي تاريخي را ميتوان به سه دسته تقسيم نمود: دسته اول شامل تحقيقاتي است كه به لحاظ زماني و مكاني محدودة وسيعي را مورد بررسي قرار ميدهد. يعني بررسي جغرافيايي تاريخي مناطق متعدد در دوره‌هاي زماني طولاني، از اين گونه تحقيقات ميتوان به كتاب معروف جغرافياي تاريخي سرزمين‌هاي خلافت شرقي اثر گاي لسترنج انگليسي اشاره كرد. وي در اين كتاب به بررسي مناطق وسيعي پرداخته كه يا به طور رسمي يا اسمي زير نفوذ حكومت عباسي بغداد قرار داشت، اين مناطق شامل آسياي مركزي، ايران، عراق و آسياي صغير نيز ميشده كه در برهه‌اي طولاني از زمان يعني از صدر اسلام و ابتداي فتوحات عربي تا پايان فتوحات اميرتيمور گوركاني را در برميگرفته است. اثر مهم ديگري كه در اين زمينه وجود دارد كتاب تركستان نامه نوشتة ولاديمير بارتولد مستشرق نامي روسي است كه نواحي مختلف آسياي مركزي (ماوراءالنهر) را از صدر اسلام تا پايان هجوم مغولان مورد بررسي قرار داده است. اين تحقيق نسبت به اثر لسترنج از لحاظ مكاني بسيار محدودتر است و جزء اولين تحقيقات درباره جغرافياي تاريخي ماوراءالنهر ميباشد. اين گونه

تحقيقات چون محدودة وسيعي را هم از لحاظ مكاني و هم به لحاظ زماني در برمي‌گيرند مبناي كارشان بر اختصار مي‌باشد. دسته دوم دربردارندة تحقيقاتي است كه به بررسي جغرافياي تاريخي شهرها و نواحي‌اي مي‌پردازد كه به لحاظ مكاني بسيار محدودتر از تحقيقات دسته اول مي‌باشد. اين تحقيقات اگرچه يك شهر يا يك ناحيه را مورد بررسي قرار مي‌دهد ولي سعي بر آن است كه اين شهر يا ناحيه در طول تاريخ پژوهش شود. از جمله اين تحقيقات مي‌توان به كتاب جغرافياي تاريخي بلخ و جيحون و مضافات آن نوشتة دكتر الهامة مفتاح اشاره نمود. دسته سوم شامل تحقيقاتي است كه به بررسي جغرافياي تاريخي يك سرزمين يا يك منطقه براساس اطلاعات موجود در يك يا چند منبع خاص مي‌پردازد. به عنوان نمونه مي‌توان به كتاب جغرافياي تاريخي ايران در قرن نهم هجري اثر محجوب الزويري اشاره كرد. نويسنده اين كتاب را براساس كتاب صبح‌الاعشي في صناعه الانشاء نوشتة ابوالعباس احمد بن علي القلقشندي تدوين كرده است. اين قبيل تحقيقات نسبت به ساير تحقيقات در زمينة جغرافياي تاريخي جديدتر است. از آنجا كه موضوع رسالة حاضر دربارة جغرافياي تاريخي خراسان و ماوراءالنهر از ابتداي فتوحات عربي تا پايان دورة اموي مي‌باشد، نگارنده در جستجوي خود به هيچ اثري در اين زمينه برخورد نكرد. صرف‌نظر از بحث جغرافياي تاريخي كلاً تحقيقات درباره اين دوره نسبت به ساير دوره‌ها بسيار ناچيز مي‌باشد، كه يكي از عمده‌ترين دلايل آن نبود منابع دسته اول مربوط به اين دوران است.

روش تحقيق: روشي كه براي تدوين اين رساله به كار گرفته شده روشي مسأله‌محور و براساس سؤالات و فرضيات پژوهشي مانند اكثر تحقيقات و پژوهش‌هاي جديد نيست، بلكه روش مورد استفاده در اين تحقيق روش توصيفي و تحليلي است كه براساس گردآوري مطالب و اطلاعات از منابع مختلف جغرافياي و تاريخي و تحليل داده‌هاي موجود انجام يافته است. در واقع اين پژوهش در راستاي تدوين فرهنگ اعلام و اماكن تاريخ ايران دورة اسلامي كه از سوي پژوهشكدة تاريخ پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي طراحي شده ارائه گرديده است.

معرفي مهمترين منابع و مآخذ

با توجه به نبود منابع و مآخذ دست اول كه در اين دوران تأليف شده باشد، ناگزير براي دستيابي به وضعيت اماكن جغرافيايي به ويژه اماكن شهري و روستايي در دوران مورد نظر از منابع دست دوم استفاده گرديد. صرف‌نظر از آثار جغرافي‌دانان يوناني، قديمي‌ترين منبع كه درباره اماكن شهري ايران در دوران پيش از اسلام مطالبي آورده كتاب شهرستان‌هاي ايران است كه در سه برگ به زبان پهلوي تدوين شده بود. موسي خورني مورخ ارمني كه در قرن پنجم ميلادي مي‌زيسته اين كتاب را از پهلوي به ارمني ترجمه كرده و كتاب جغرافياي موسي خورني را بر اساس اين كتاب و براساس نوشته‌هاي بطلميوس تدوين نمود. اصل پهلوي كتاب شهرستان‌هاي ايران در دسترس نيست اما ترجمه ارمني آن كه توسط نويسنده نامبرده انجام شده بر جاي مانده كه ظاهراً اين كتاب مورد استفاده برخي از جغرافي‌نويسان مسلمان نظير مقدسي نيز قرار گرفته است. با اين حال اساس كار

اين رساله منابع جغرافيايي و تاريخي اسلامي است. به طور كلي منابع مورد استفاده در اين تحقيق را ميتوان به دو دسته تقسيم كرد. اول كتب جغرافيايي و دوم كتب تاريخي. در مورد كتب جغرافيايي بايد گفت كه قديميترين كتابهايي است كه مسلمانان دربارة جغرافيا نوشتند به قرن سوم هجري برميگردد، كتابهايي كه از آنها با عنوان مسالك نام برده شده است. كتاب مسالك و ممالك ابن خردادبه كه در سال ۲۳۲ هجري قمري نوشته شده قديميترين آنهاست. اين كتابها بيشتر به بيان فاصله ميان شهرها و راهها پرداخته و از هر شهري كه در اين راهها قرار داشته نيز صحبت ميكنند. سپس كتبي در زمينة جغرافيا نوشته شد كه نسبت به كتب مسالك كاملتر بود اين كتابها كه از آنها با عنوان كتب مسالك و ممالك ياد ميگردد جداي از بحث مسافات و راهها به توصيف ممالك و شهرها به طور مشروح پرداختهاند و حتي شهرها و بلادي را كه از راههاي اصلي دور بودهاند را نيز توصيف كردهاند. از نمونههاي اين كتابها ميتوان از كتاب احسن التقاسيم مقدسي و صورت الارض ابن حوقل ياد كرد كه در مقايسه با كتب مسالك نظير آنچه ابن خرداد به و قدامبن جعفر نوشتهاند بسيار جلوتر ميباشد. از ديگر كتب جغرافيايي ميتوان به سفرنامهها نظير سفرنامه ابن فضلان، سفرنامه ناصرخسرو و ... اشاره كرد و همچنين فرهنگهاي جغرافيايي نظير معجم البلدان ياقوت حموي نيز از ديگر نمونههاي كتب جغرافيايي ميباشد.

به غير از كتب جغرافيايي، نوشتههاي مورخين نيز براي پژوهش در اين زمينه بسيار سودمند است، چرا كه مورخين مسلمانان، در كتب خويش اطلاعات گرانبهايي درباره مسائل

جغرافيايي ارائه كرده اند. از بهترين اين كتب مي‌توان به تاريخ‌الرسل و الملوك نوشته طبري و فتوح **البلدان بلاذري** اشاره نمود و در كنار استفاده از منابع و مآخذ بايسته است به برخي از تحقيقات دوران معاصر نيز اشاره گردد نظير جغرافياي تاريخي سرزمين‌هاي خلافت شرقي **اثر گاي لسترنج و تركستان**نامة ولاديمير بارتولد كه از پيشگامان تحقيقات جديد مي‌باشند. از اين كتاب‌ها مي‌توان به عنوان الگويي در اين زمينه استفاده نمود.

الف) كتب جغرافيايي

۱- مسالك و ممالك: نام كتابي است از عبيداله بن عبداله بن خردادبه كه به سال **۲۳۲** ه.ق تأليف شده است. برخي نيز بر اين باورند كه اين اثر به سال **۲۷۲ ه. ق.** تدوين شده است. اين كتاب قديمي‌ترين منبع جغرافيايي پس از اسلام به **شمار مي**رود كه تاكنون بر جاي مانده است و بسياري از **جغرافي**دانان مسلمان از جمله يعقوبي، جيهاني، ابن حوقل، ابن فقيه، ابن رسته و ... **از وي متأثر شده و از سبك وي** پيروي كرده اند. ابن خردادبه به بررسي راه‌ها و بلادي كه بر سر اين راه‌ها قرار داشتند پرداخته است. اثر وي از آن جهت اهميت بسياري دارد كه در دوران خلافت الواثق بالله **عباسي (۲۳۲-۲۲۷) ه. ق. مدتي در** ايالات جبال صاحب البريد و الخبر بوده است و به خاطر همين شغل دولتي اطلاعاتي كه به دست مي‌دهد حائز اهميت مي‌باشد. اين كتاب توسط **سعيد خاكرند** به فارسي ترجمه شده است.

۲- البلدان: نام كتاب احمد بن ابي يعقوب معروف به ابن واضح يعقوبي است. واضح نام جد سوم يعقوبي است كه از طرف منصور دوانيقي مدتي حكومت ارمنستان و آذربايجان و سپس

مصر را بر عهده داشت. كتاب يعقوبي اگرچه به طور كامل برجاي نمانده ولي از آنچه كه در دسترس است مي‌توان بر اهميت و اعتبار كتاب صحه گذارد. اين كتاب در حدود سال ۲۷۸ ه.ق تأليف شده و يكي از قديمي‌ترين منابع جغرافيايي به شمار مي‌رود. خود مؤلف گويد كه اين كتاب پنجاه و پنج سال پس از بناي شهر سامره تدوين شده است. يعقوبي پس از مدتي سياحت در ارمنستان، خراسان، هند و مصر اين كتاب را در مصر نوشت. از اين كتاب سه بخش مربوط به شهرهاي سمت قبله، شرق و شمال بر جاي مانده است. كتاب البلدان را دكتر محمدابراهيم آيتي به فارسي ترجمه كرده است.

۳- مختصرالبلدان: نام كتابي است از ابوبكر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهيم همداني معروف به ابن فقيه كه آن را در سال ۲۹۰ ه.ق تأليف كرده است. تنها قسمتي از اين كتاب برجاي مانده و مابقي آن در دسترس نيست. وي در ابتداي كتابش به موضوعاتي همچون خلقت زمين، اقاليم هفتگانه، درياها و عجايب عالم پرداخته و سپس به صحبت درباره سرزمين‌هاي مختلف اقدام نموده است. ابن نديم گويد كه ابن فقيه معلومات كتابش را از كتب ديگران كسب كرده است سپس مي‌افزايد كتاب المسالك و الممالك جيهاني وزير معروف سامانيان مفقود شد و كتاب البلدان ابن فقيه كه كاملتر از مختصرالبلدان بوده جاي آن را گرفت[۱]. ابن فقيه در اين كتاب اشعار و امثال بسياري نيز نقل كرده است. بخش مربوط به ايران اين كتاب توسط ح- مسعود به فارسي ترجمه شده است.

---

[۱] - ابن نديم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ ترجمة محمد رضا تجرد؛ تهران: اساطير. ۱۳۸۱، ص ۲۵۳.

٤- الاعلاق النفيسه: اين كتاب باارزش اثر ابوعلي احمد بن عمر رسته اصفهاني از جغرافيدانان بزرگ مسلمان ميباشد. وي اين كتاب را در هفت مجلد نوشته بود كه فقط قسمت هفتم آن باقي مانده است. اين كتاب به قولي در سال ٢٩٠ ه.ق و به قولي ديگر در سال ٣١٠ ه.ق تدوين گرديده است. وي اماكن مختلف را به خوبي وصف كرده اما شرح وي دربارة راهها گويا نيست. در توصيف اماكن ابتدا از مكه و مدينه شهرهاي مقدس اسلامي شروع كرده و پس از آن به شهرهاي هفت اقليم پرداخته است. كتاب ابن رسته در قسمت مسائل نجومي و رياضي در جغرافيا بسيار رساست و به آيات قرآني استناد كرده است. وي علاوه بر توصيف بلاد اسلامي، سرزمينهايي كه خارج از بلاد اسلامي قرار داشتند نيز وصف كرده است. اثر وي در زمينة اطلاعات عمومي به غير از مسائل جغرافيايي نيز سودمند است. اين كتاب را دكتر حسين قرهچانلو به فارسي برگردانده است.

٥- مسالك و ممالك: كتاب ارزشمند ابواسحاق ابراهيم بن محمد فارسي اصطخري معروف به كرخي است كه به سال ٣٤٠ ه.ق آن را از روي صورالاقاليم تأليف ابوزيد بلخي متوفي به سال ٣٢٢ ه.ق نگاشته است. به نظر ميرسد اصطخري در تأليف اين كتاب خود از اشكالالعالم جيهاني نيز سود برده است. اصطخري نيز همچون ابن حوقل بلاد اسلامي را سفر كرد و به گردآوري مطالب پرداخت و در اين سفر با ابن حوقل نيز ديداري داشت. كتاب اصطخري در قرن پنجم و ششم هجري قمري به فارسي ترجمه شد. مترجم كتاب برخي از جاها را حذف و در برخي جاها مطالبي اضافه نموده و در واقع ترجمهاي

آزاد انجام داده است. اين كتاب داراي بيست و يك فصل، يك مقدمه و بيست نقشه ارزشمند مي**باشد.**

٦- اشكال‌العالم: اين كتاب را وزير دانشمند و دانشدوست سامانيان، ابوعبداله احمد بن محمد بن نصر جيهاني كه تا **سال ٣٦٧** ه.ق در مقام وزارت بوده به رشته تحرير درآورده است. به نظر مي‌رسد اتمام اين كتاب به سال **٣٦٥ ه. ق.** باشد. جيهاني خود تصريح مي‌كند كه هدف وي از نوشتن اين كتاب تصوير اقاليم جهان است نه نام مواضع **و كوه**ها و **آب**ها اما در متن كتاب وي علاوه بر سخن از اقاليم هفتگانه به تفصيل از بلاد و بقاع مشهور و حتي از درياها و رودها نيز صحبت كرده است. اثر وي اطلاعات خوبي درباره سرزمين‌هاي تركنشين كه در مجاورت سرزمين‌هاي شرقي اسلامي قرار داشتند ارائه مي‌كند. ظاهراً وي در نامه‌هايي كه به حكام شهرهاي مختلف مي‌فرستاده از آنها مي‌خواسته كه اطلاعات لازم درباره اوضاع و خصوصيات شهر و ديارشان را براي وي ارسال كنند. جيهاني به خوبي توانسته بود از موقعيتي كه در حكومت ساماني داشته، استفاده كند و اثر ارزشمندي بيافريند. كتاب اشكال**العالم توسط علي بن** عبدالسلام كاتب كه در اواخر قرن نهم و اوايل قرن دهم هجري مي‌زيسته، به فارسي ترجمه شده است. وي اين كتاب را به نام حاكم بخارا ابوالمفاخر علي خواجه بن محمد ترجمه كرده است. اين كتاب توسط فيروز منصوري تصحيح **شده است.**

٧- صورت‌الارض: اثر برجسته ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادي سياح معروف و جغرافي‌دان عرب است. وي براي تدوين اين كتاب سفرهاي متعددي كرد و در ضمن مسافرت آثار

متقدمان از قبيل آثار جيهاني، ابن خردادبه و قدامه بن جعفر مورد مطالعه قرار داد. ظاهراً وي در اثناي سفر خويش با اصطخري ديداري داشته است. اين كتاب را ابن حوقل به سال ٣٦٧ ه.ق به پايان رسانيد. وي علاوه بر اطلاعات جغرافيايي ارزشمندي كه ارائه مي‌كند از شرح حال بزرگان، پادشاهان، امراي شهرها، توانگران، نيكوكاران و صاحبان مذاهب و نيز از بيان وقايع مهم تاريخي و اجتماعي و اشاره به زبان‌ها و لهجه‌هايي كه ميان اقوام گوناگون متداول بوده، غفلت نكرده است. اين كتاب به طور كامل شامل جغرافياي سرزمين‌هاي اسلامي در زمان مؤلف يعني قرن چهارم هجري است. دكتر جعفرشعار تنها قسمت‌هايي را كه مربوط به ايران بوده در سيزده فصل به فارسي ترجمه كرده است.

٨- حدودالعالم من المشرق الي المغرب: نام كتابي ارزشمند كه مؤلف آن مشخص نيست و به سال ٣٧٢ ه.ق تأليف شده است. با وجودي كه مؤلف آن گمنام است اما كتاب خود را به امير محمدبن احمد فريغون حاكم گوزگانان تقديم كرده است. اين كتاب جداي از اطلاعات جغرافيايي كه بسيار مدون و مبوب و منظم در اختيار مخاطب مي‌گذارد، از نظر تاريخ اجتماعي، اقتصادي، فرهنگ، جغرافياي سياسي، طبيعي و قوم‌شناسي نيز بسيار مهم است. مؤلف حدود و سرحد سرزمين‌هاي جهان را از مشرق وصف كرده و ديگر سرزمين‌ها در جهات شمال، مغرب و جنوب را نيز توصيف نموده است. اين مؤلف علاوه بر توصيف رودها، كوه‌ها، بيابان‌ها، درياها و ... اطلاعات سودمندي درباره سرزمين‌ها و قبايل ترك و همچنين ديگر بلاد خارج از دنياي اسلام ارائه مي‌كند. بارتولد

شرق‌شناس شهير روس مقدمه‌اي عالمانه بر اين كتاب نوشته و ديگر دانشمند روس به نام مينورسكي تعليقات ارزشمندي بدان افزوده است. اين كتاب توسط ميرحسين شاه به فارسي ترجمه شده است. تصحيح جديد اين كتاب توسط دكتر مريم مير احمدي و دكتر غلامرضا ورهرام انجام شده، علاوه بر آن اين دو حواشي ارزشمندي نيز به اين كتاب افزوده‌اند.

۹- احسن‌التقاسيم في معرفة الاقاليم: نام كتاب گران‌سنگ

ابوعبداله محمدبن احمد مقدسي است كه در سال ۳۷۵ ه.ق آن را تأليف نموده است. بيشتر نوشته‌هاي مقدسي در اين كتاب براساس مشاهدات خود او و تجزيه و تحليل‌هايش مي‌باشد. او نيز دانشمندي جهانگرد بود كه بسيار سفر كرد و نتيجه تحقيقات او اين كتاب ارزشمند مي‌باشد. وي علاوه بر اطلاعات جغرافيايي به امور ديگري نظير بازرگاني، خراج، آداب و رسوم و ... نيز پرداخته است. مقدسي در بخش اول كتابش از اقاليم هفتگانه، رودها، درياها، مذاهب، لهجه‌ها و ... صحبت كرده سپس در شش اقليم سرزمين‌هاي عربي را توصيف مي‌كند سپس به بخش ايران مي‌پردازد. به نظر مي‌رسد وي در توصيف قسمت‌هاي شرقي بلاد اسلامي بسيار قوي‌تر و جامع‌تر عمل كرده و اطلاعات وي درباره قسمت‌هاي غربي سرزمين‌هاي اسلامي به نسبت سرزمين‌هاي شرقي كمتر مي‌باشد. اين كتاب توسط دكتر علينقي منزوي ترجمه شده است.

۱۰- سفرنامه ناصرخسرو: اثر معروف حكيم ابو معين‌الدين ناصر بن خسرو قبادياني مروزي از شاعران و متكلمان بزرگ ايراني و اسماعيلي است كه در سال ٤۳۷ ه.ق از مشاغل ديواني استعفا داده و پاي در سفري هفت ساله مي‌نهد كه تا

سال ٤٤٤ ه.ق ادامه يافت. كتاب ارزشمند سفرنامه حاصل اين سفر هفت ساله نتيجه مشاهدات و تجربيات شخصي ناصرخسرو است كه آن را به زبان فارسي بسيار ساده و بي‌آلايش نوشته است. اين كتاب در شمار اولين كتاب‌هايي است كه پس از استيلاي عرب بر ايران به زبان فارسي نوشته شده و بارزترين صفت آن طرز نگارش دلچسب و شيرين آن مي‌باشد كه به دور از تكلف و تصنع نگاشته شده است. اين كتاب را محمود غني‌زاده تصحيح كرده است.

١١- نزهت المشتاق في اختراق الآفاق: اين كتاب اثر دانشمند بزرگ مغربي به نام ابوعبداله محمد بن محمد بن عبداله بن ادريس الحسني الطالبي معروف به شريف ادريسي مي‌باشد. او اين كتاب را در سال ٥٤٨ ه.ق زماني كه در سيسيل (صقليه) نزد پادشاه آن ديار به نام روجردوم مي‌زيسته، براي او نوشته است. ادريسي خود گويد كه پانزده سال براي تأليف اين كتاب وقت صرف كرده است. اين كتاب اطلاعات ارزشمندي به ويژه دربارة سرزمين‌هاي اروپايي به خصوص ايطاليا در اختيار خواننده قرار مي‌دهد، چنانچه ديگر دانشمندان مسلمان پس از ادريسي هنگامي كه درباره غرب و اروپا صحبت كرده‌اند از اين كتاب استفاده‌هاي بسياري نموده‌اند. اطلاعات اين كتاب درباره خراسان و ماوراءالنهر اگرچه به اختصار است ولي واقعاً ارزشمند است. اين كتاب در هفت باب و ده جزء تدوين شده و در آن نقشه‌اي كروي از عالم براساس نقشه بطلميوس طراحي شده است. ادريسي پيش از طراحي نقشه ابتدا نقشة بطلميوس را اصلاح كرده است.

۱۲- معجم‌البلدان: نام کتاب معتبر شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبداله حموي که در سال ٦٢٣ ه.ق به تألیف آن پرداخته است. این کتاب در واقع یک دایرة‌المعارف مفصل جغرافیایي است که در آن نام اماکن شهري و روستایي براساس حروف الفبا تنظیم گردیده است. او در کتاب خود از آثار جغرافي‌دانان و دانشمندان قبل از خودش به ویژه از کتاب احسن‌التقاسیم مقدسي استفاده‌هاي فراوان برده است. علاوه بر آن مسافرت‌هاي بسیاري نیز به شهرهاي مختلف انجام داده و حاصل مشاهدات خود را در کتابش منعکس کرده است. یاقوت به فاصله اندکي پیش از هجوم مغول در خراسان بوده و اطلاعات بسیار مفیدي را درباره وضعیت شهرها و روستاهاي خراسان و ماوراء‌النهر در آستانة هجوم مغول به مخاطب ارائه مي‌کند. وي افزون بر توصیف اماکن جغرافیایي درباره بزرگان هر مکاني اعم از عالم، محدث، فقیه، شاعر و ... نیز صحبت کرده است. او همچنین سخنان جالبي درباره وجه تسیمه شهرها ذکر کرده که البته به همه آنها نمي‌شود اعتماد کرد. کتاب المعجم‌البلدان یاقوت را شخصي به نام صفي‌الدین بغدادي در سال ۷۰۰ ه.ق تحت عنوان مراصد الإطلاع في معرفة الامکنة و البقاع خلاصه کرده و تعلیقاتي نیز از خودش بدان افزوده است.

۱۳- آثارالبلاد و اخبارالعباد: این کتاب باارزش توسط نویسنده بزرگ جهان اسلام امام زکریاء بن محمد بن محمود قزویني در سال ٦٧٤ ه.ق نوشته شده است. کتاب آثارالبلاد و اخبارالعباد دایره‌المعارفي است درباره اماکن جغرافیایي،